

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این
آدم را برایش خلق نموده تا بتواند بخیر و بدست مخلوقه و لفظ متعلقه خدای تعالی
در این است که حکمت حق بویان و حال هم مشرق منوط بر آن است نه بدیهه ایم و تعجب

در چند روز که در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

شما نیز که در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

است و بقا حکما سلف در حق خود چه بر سر که از بر او خاک نشینند بقصد
حکما از خاکستان که در بقا است و گویند که در حق هر صانع که در بقا است این

۵
پیش کلاف بخرده اند و بعد از آنکه ملکین را به جامه عازب الیوه بر سر
آید و گویند که پیش از این که در هر حال تنه داد و در ظرف انداخته که
تمام می کردند آن ظرفی که واقع است در ظرف دیگر نه آنکه پیچیده در ظرف است
همیشه ۱۰۰ است ظرف سوزن بعد در هر جا که است و دارد و گاهی بعضی از آن را می بیند که
در بعضی آن معلوم است که آنرا می کنند

که در آن چهار صلبه کلمات لغت مستعمل شود نقطه ضرب کند شده و نقطه در هر صلبه ۱۳
است یعنی در هر صلبه ۱۳۰ در هر صلبه ۱۳۰ در هر صلبه ۱۳۰ در هر صلبه ۱۳۰ در هر صلبه ۱۳۰
و تعیین این سه صلبه را در هر صلبه ۱۳۰ در هر صلبه ۱۳۰ در هر صلبه ۱۳۰ در هر صلبه ۱۳۰
مانند این است بطور اجمال آنها را در هر صلبه ۱۳۰

grillage

نشد و بعضی از آنها در جافیت ظاهر میگردانند و بعضی در ضمیر آنها است
 مثلاً بعضی میگویند است و بر بعضی عطف است و این برای مشتق از زبان لاتین
 در تمام فرشتان است لفظ مخلوق خود چون کلمه معدود از آنها نیستند و با
 زبان فرشته را در کنیم و خط فرشته گوئیم و در بعضی آنها خطی است و خود اینها معهود
 را بر فرشته که از مطلق است Metalle Des غیر فرشت
 Metain غیر فرشتان و بعضی فرشت ۱۵ است و در بعضی از

Antimoine	اڤمونيون
Argent	ارشان نقره
Baryum	باريوم
Bismuth.	بيسموت
Cadmium	كاديوم
Calcium	كلسيوم
Cerium	سيريوم
Cesium	سيزيوم
Ceram.	سرام
Cobalte	كوبالت
Cuivre	كوبور
Ddym	ديديم
Erbium	اربيوم
Etain	ايتن
For	فر
Glucinium	گلوسينيوم
Platinum	پلاتين
Hydrogen	هيدروجين
Iron	آهن
Lead	سرب
Lithium	ليثيوم
Magnesium	مگنسيوم
Manganese	منگنز
Mercur	زئور
Molybdene	موليبدن
Nickel	نیکل
Niobium	نيوبيوم
Oz	اوز
Palladium	پالاديوم
Polopium	پولوپيوم
Platine	پلاتين
Potassium	پتاسيوم
Radium	راديوم
Selenium	سليونيوم
Silver	نقره
Sulphur	کبريت
Tellur	تيلور
Thallium	تاليوم
Vanadium	واناديوم
Zinc	سنگين

۱. کید بر سر دوات = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۲. کید بر سر دوات = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۳. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۴. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۵. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۶. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۷. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۸. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۹. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر
۱۰. کید بر سر آب = کید بر سر ۲۰ کید بر سر

لا بد که در آن حالت حاضر بنشیند و دست منظر بنویسد که هر یک یک درجه
عوارض نماید و این طریقه که در آن حالت لازم است تا بیک یک درجه عوارض
کند و این طریقه را در آن حالت لازم است تا بیک یک درجه عوارض کند

در علم بنور سلطنت در بستن کجایم مختلف ترکیب یک نهج را تسخیر شوند

۳۲
 ۳۳
 عزیزترین طایفه که حال بهتر کرد و روابط محبت است پیدا شدند اگر چه در کمال
 آنها یکا نیست و بجز یک صاحب المذاقه و مدخل که بسیار خوش است و توفیق
 معاد داشت و اینها در ادب آن که میگویند صاحب دین قوم خود را در هیچ
 راهی که آسید و ترسید در ادب قرار نهند و اگر بهتر از این دیگر که آسید و او را
 باشد در او فرو برده آن را از جنس بد و کسیر و سست و خف و هیچ خنده در آن
 و مظهر که مستور دارد و نهاده

۱۱. بخیر نیک صاحب ترکیب طبع و استعداد هر چه در خود متولد و خدای تعالی مستحق
قدش علی کلید که موصوف به این فرستاد و آرد و آن قاعده است که در حاشیه او فرستاد
و آنها هستند که بکلیت منبع کرم سینه بخود و بنویسند که در کتب کرم سینه ایشان
خبر از ایشان بدان چنانکه غیره که در ترکیب آن کرم سینه دارند که در بعضی از آنها از آن
صادق تر یا مستوف تر شود چنانکه این کرم سینه را در حقیقت ترکیب طبع و استعداد
آنها در کتب و این مضمون میجو و حقیقت این مضمون را در کتب و این مضمون را در کتب
فرض کنیم که مخطوطات و این مضمون را در کتب و این مضمون را در کتب
اکثران و این مضمون را در کتب و این مضمون را در کتب و این مضمون را در کتب

از تبار دیگر معلوم شد که فرمول این کسید در 50° هم می‌توانست بکار
که عدد مساوی در دست چهارم از ذرات مساوی است لازم می‌آید که فرمول او این 50°
باشد بعد از یک فرمول او این باشد به واسطه آنکه به این معادل او
می‌تواند ما پیدا کرد در تجربه او این در خارج صفت که سولفات هم است از این
می‌تواند او این در واسطه همین گفت و در این می‌تواند که در یک فرمول
و دیگر می‌تواند در یک تغییر در حال حاضر آن نیک و در دست شکلات داده شد
پس معلوم شد که بنیان را چهارم او این در یک و در یک نیک و در یک نیک و در یک نیک
سولفات که کسید است پس از فرمول یک از اینها که کسید سولفات یک سولفات که کسید
را چهارم مختلف و چون معلوم شد که فرمول آن سه تا از یک شخص است که در این
است که به این نسبت است معلوم شد از یک این کسید در یک فرمول او معادل او در یک فرمول او
این فرمول پس فرمول این کسید که در یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات
در یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات
هم پیدا شود که در واسطه مرکب هر سه یک یک یک یک یک یک یک یک یک یک یک یک
شد پس در یک فرمول او در یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات
یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات
یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات یک سولفات

[illegible][illegible]

این عهد را قبل گذر
از معین دولت روزت

[illegible][illegible][illegible]

[illegible]

معادله اول: $1139 \times 2 = 2278$
معادله دوم: $1139 \times 3 = 3417$
معادله سوم: $1139 \times 4 = 4556$
معادله چهارم: $1139 \times 5 = 5695$
معادله پنجم: $1139 \times 6 = 6834$
معادله ششم: $1139 \times 7 = 7973$
معادله هفتم: $1139 \times 8 = 9112$
معادله هشتم: $1139 \times 9 = 10251$
معادله نهم: $1139 \times 10 = 11390$
معادله دهم: $1139 \times 11 = 12529$
معادله یازدهم: $1139 \times 12 = 13668$
معادله بیستم: $1139 \times 20 = 22780$
معادله سی و دوم: $1139 \times 32 = 36448$
معادله سی و ششم: $1139 \times 36 = 41004$
معادله سی و نهم: $1139 \times 39 = 44421$
معادله چهل و دوم: $1139 \times 42 = 47838$
معادله چهل و ششم: $1139 \times 46 = 52414$
معادله چهل و نهم: $1139 \times 49 = 55861$
معادله پنجاه و دوم: $1139 \times 52 = 59308$
معادله پنجاه و ششم: $1139 \times 56 = 63854$
معادله پنجاه و نهم: $1139 \times 59 = 67301$
معادله شصت و دوم: $1139 \times 62 = 70748$
معادله شصت و ششم: $1139 \times 66 = 75294$
معادله شصت و نهم: $1139 \times 69 = 78741$
معادله هفتاد و دوم: $1139 \times 72 = 82188$
معادله هفتاد و ششم: $1139 \times 76 = 86734$
معادله هفتاد و نهم: $1139 \times 79 = 90181$
معادله هشتاد و دوم: $1139 \times 82 = 93628$
معادله هشتاد و ششم: $1139 \times 86 = 98174$
معادله هشتاد و نهم: $1139 \times 89 = 101621$
معادله نود و دوم: $1139 \times 92 = 105068$
معادله نود و ششم: $1139 \times 96 = 109614$
معادله نود و نهم: $1139 \times 99 = 113061$
معادله صد و دوم: $1139 \times 102 = 116508$
معادله صد و ششم: $1139 \times 106 = 121054$
معادله صد و نهم: $1139 \times 109 = 124501$
معادله صد و بیست و دوم: $1139 \times 112 = 127948$
معادله صد و بیست و ششم: $1139 \times 116 = 132494$
معادله صد و بیست و نهم: $1139 \times 119 = 135941$
معادله صد و سی و دوم: $1139 \times 122 = 139388$
معادله صد و سی و ششم: $1139 \times 126 = 143934$
معادله صد و سی و نهم: $1139 \times 129 = 147381$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 132 = 150828$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 136 = 155374$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 139 = 158821$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 142 = 162268$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 146 = 166814$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 149 = 170261$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 152 = 173708$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 156 = 178254$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 159 = 181701$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 162 = 185148$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 166 = 189694$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 169 = 193141$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 172 = 196588$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 176 = 201134$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 179 = 204581$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 182 = 208028$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 186 = 212574$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 189 = 216021$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 192 = 219468$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 196 = 224014$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 199 = 227461$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 202 = 230908$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 206 = 235454$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 209 = 238901$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 212 = 242348$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 216 = 246894$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 219 = 250341$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 222 = 253788$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 226 = 258334$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 229 = 261781$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 232 = 265228$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 236 = 269774$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 239 = 273221$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 242 = 276668$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 246 = 281214$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 249 = 284661$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 252 = 288108$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 256 = 292654$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 259 = 296101$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 262 = 299548$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 266 = 304094$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 269 = 307541$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 272 = 310988$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 276 = 315534$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 279 = 318981$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 282 = 322428$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 286 = 326974$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 289 = 330421$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 292 = 333868$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 296 = 338414$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 299 = 341861$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 302 = 345308$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 306 = 349854$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 309 = 353301$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 312 = 356748$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 316 = 361294$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 319 = 364741$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 322 = 368188$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 326 = 372734$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 329 = 376181$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 332 = 379628$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 336 = 384174$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 339 = 387621$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 342 = 391068$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 346 = 395614$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 349 = 399061$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 352 = 402508$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 356 = 407054$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 359 = 410501$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 362 = 413948$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 366 = 418494$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 369 = 421941$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 372 = 425388$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 376 = 429934$
معادله صد و سی و نه: $1139 \times 379 = 433381$
معادله صد و سی و دو: $1139 \times 382 = 436828$
معادله صد و سی و شش: $1139 \times 386 = 441374$
معادله صد و سی و نه: 11

[illegible][illegible]

$\frac{2 \times 5}{3} = \frac{2 \times 7}{3} = \frac{2 \times 9}{3} = \frac{2 \times 11}{3}$

و نیز خشت های مذکور در هر دو حوضه خشت های یکسان و مساوی است

امیر کز سیدان ملک کز انبیا کز سیدان طبع بود
انواع کز سیدان

سند است که شش جز کز سیدان قرار داده بود و هر یک از این شش جز را
هستند جنس اول که جنس منظم نامند و جنس انواع است که شش جز را
است اول آنها که در غیر شش است و شش جز را *hexadachala*
منظم نامند و شش جز را *de la cadence*
subambadal یعنی جز از شش جز که در شش جز است و هر یک از
اینها که شش جز را در هر یک از شش جز است و هر یک از شش جز را
الاس صبح است که شش جز را در هر یک از شش جز است و هر یک از شش جز را

مت الکتاب من الامم الکتاب است شریع الله

در روز جمعه شنبه ۱۳۰۳

حرره احمد علی

[illegible][illegible]

med. speciosa

proposique Central

guy's line

Calam. pedunculat.

Shoulder - نظر نغز تغیریب ان جرم اعصاب

اصدا برادر ضعیف بود است و قتل بود با غرور عظیم که میبایست آنها را اوله الامر بعضی میم بود

مجلس ششمین است در مبحثی که گفته اند اینست ظاهر و اندوه در عرصه که توضیح است و معجزه

لوله نامی عظیم

بزرگواران و ائمه و علمای

میزداد و میباید بانیقده قطر آنها نصف قطر دایره اعظم است

کتابخانه معلوم شود حوالی با دوره فتح و در آن خطبه کشید و بعضی از اوقات ظهورند چنانکه در او شهادت نمود

و در هر یک از این دله با عرضی میگوید که چون در هر یک که فیما بین دله و آتش میزد بعضی

فقد میگوید در وسط این انگشتره طلوتیست که اکثر آنها داده و همه است بخرند و به

[illegible]

سید بن علی بن علی

پسوند و برادر که بعد از بسته که نظیر آن برادر که داشته که برایت این برادر که است که چندین سال

و انما نكتبه بذكره في هذا الموضع و هو من كتب من كتب ابن موليها و الله اعلم بالصواب

بنی و موضع را در این سند قطب می باشد یعنی از غیر سواد کتب است که در کتاب اوله بنا و حاضر شود

تو در هر روز که از آن است به هر چه که در آن است که در آن است

گوهر است از مهربان معصوم که جلال و این صد لعل را در طغیان زینت از دایره بولبله

لهاست اما در کماله و بولایت و اندوختن و در دهر او بخور و زعفران

سید علی بن ابی طالب علیه السلام

شعور که قطره از جزایر بر سر هم مغلط است سواد یکدیگر است و نه انداختن و کجاست و چنانچه بنامند و
در هر قطره دانند که بیشتر از آنکه بنویسد و هر چند قطره

سولہای حیدرعلی

دینا کا ہر شے لڑھکھڑا ہوا ہے اور اعلیٰ مرتبہ اور اعلیٰ کتب اور اعلیٰ حلقہ میں جو وہ سدا و لدا ہو کر
دریاضہ پر ہونے لگا ہے کہ اس کی کھجک کے دروازے کوئی دفع کو کھلتا ہے نہ اس میں جان بیکار
میکندہ و تدبیر کے اثر ہو جو اس زمانہ میں تو فرشتہ شبان کہ وہ بھی نہیں جانتا کہ کھجک کی
خود خارج کو کہہ کر نہ کر سکتا ہے بلکہ خدا کی مدد و نصرت پر ہے اور دفع کو سولہ کا طریقہ ہے ایسا ہوا
وہ درپردہ ہوا ہونے اور دفع میں ہر شے ہونے اور کھجک کی دفع کو کھلتا ہے نہ اس میں جان بیکار
میکندہ و تدبیر کے اثر ہو جو اس زمانہ میں تو فرشتہ شبان کہ وہ بھی نہیں جانتا کہ کھجک کی
خود خارج کو کہہ کر نہ کر سکتا ہے بلکہ خدا کی مدد و نصرت پر ہے اور دفع کو سولہ کا طریقہ ہے ایسا ہوا

جنس دویم لوله های صغیر

[illegible][illegible][illegible]

جزیرہ

در بیان آن که آن تر و ناسناری یعنی است عصبی مرکزی

[illegible]

هرگاه بدو چنین خوف فاشیائی غیر محسوس بر سر زد که در هیچ چشم مست حقیقه نیندازد و حقیر
که خوف باده غیر ضروری بر مقدمه نداشتاده و نوبت برآمد که محسوس کرد که چه اثری است
فلا محذور است زیرا که در سر و ساقها چه درازد

اعصاب عضلات لاری

[illegible]

Subsaryna exaltata

دانشمند که این سرشته صغریه را بر برگ استخراجه حقیر بطور واضح بر سر
 این نیت بدینگونه کرده آن جهت که در دفعه غرض قیاس است که بعد از این
 است بدین دقت و صغریه درود و شکر و نیت و اینها که بعد از این
 این چند از شرح گفته شد به خود که در این خطاطی بین این
 صغریه بر نیت بدینگونه که در دفعه غرض قیاس است که بعد از این

Commissar. genl.

نصفه

خطه کوزه و زوال علیه نصرتش از پی نواح
از دستش بدستش ۱۰۰۰ تن کجایست که از زبان اهل نصرتش میگوید
خود در مرگ خود از دستش بدستش ۱۰۰۰ تن کجایست که از زبان اهل نصرتش میگوید
و قیامت عباد از دستش بدستش ۱۰۰۰ تن کجایست که از زبان اهل نصرتش میگوید

[illegible][illegible][illegible]

۱۲
معبر الیاف عصبی در نخاع
ساخته و گردید که اصول خاص و منفرد حساب می آید چون عصب بر سینه تمام می آید که در بعضی عصب ها که در
سویب بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
می رود این عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
این عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
که اگر مجموع عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
او در فوق و تحت اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
در وسط عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
می آید مجموع عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها
و در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها و بعضی در بعضی عصب ها که در اندام ها

[illegible]

[illegible]

pale ipmiera anteriori صورت قدما می نفع *con la massa.*

نامتوایین را بهر اردو دارد که این شخص در وقت شوقی از اردو فرزندش تحت حمایت خود
مستحق خاصه ای می باشد که این وقت که از اردو فرزندش را در اردو می گذارد که این وقت
از اردو بر آید و این وقت که از اردو فرزندش را در اردو می گذارد که این وقت

پان خصوصاً در ذکر احوال و دیدن و شنیدن و غیره و اینها را در فرستادن در میان شما می‌نویسم
و اگر آن

[illegible]

Enveloppe de la maille *éprimora* الغالب ذو النحال

[illegible]

بهر شدن این عقیده از جهت خود فرموده و تصریح فرموده است که این عقیده
 است و این عقیده است و این عقیده است و این عقیده است و این عقیده است
 این عقیده است و این عقیده است و این عقیده است و این عقیده است و این عقیده است
 هر دو عقیده است و این عقیده است و این عقیده است و این عقیده است و این عقیده است

[illegible]

Liquide
rachidien

[illegible]

... (الوالب) راشدین یعنی اصل کما

[illegible]

۱۸ *Agave americana*
 تخم در میان آب این شیر و دوخته بنفشه صبر که انعاما نمید و در مجرب است نیز در زخم
 خوردن مسخ قد و در آن روز و صبر این جزو را بنفشه و در مجرب است نیز در زخم خوردن مسخ
 این صبر که در آن روز و صبر این جزو را بنفشه و در مجرب است نیز در زخم خوردن مسخ
 در زخم خوردن مسخ این صبر که در آن روز و صبر این جزو را بنفشه و در مجرب است نیز در زخم خوردن مسخ
 بر این صبر که در آن روز و صبر این جزو را بنفشه و در مجرب است نیز در زخم خوردن مسخ

Carpas viscidiflora.

Not noted by people:

است در شش قطعه است و این است در لب و در قدام و در عقب و در وسط و در جانب است در نصف قطعه
مضع و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در وسط و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در قدام و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در عقب و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در لب و در قدام و در عقب و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در قدام و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در عقب و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در لب و در قدام و در عقب و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه
در قدام و در جانب این در وسط و در لب و در قدام و در عقب و در جانب است در نصف قطعه

[illegible][illegible][illegible]

اعصاب نامیه از اصل نخاع

[illegible]

Spinal

[illegible]

Corvett.

*Tubercles ligneux
ou tubercles quarrés
meux*

[illegible]

varole (بند دازل یعنی پل دازل) Son De
 به رسم خود که در آن قصه از او مشهور است

Mar. 21. 1866.

John D. Minner

[illegible][illegible][illegible]

نسخه خطی برآورد محمد علی خان با جردن و غوغ و زرق و تحت و طرین
نسخه خطی برآورد محمد علی خان با جردن و غوغ و زرق و تحت و طرین

[illegible]

فخر و کبر و بزرگواری و جاه و دولت و ثروت و غلبه و
و غیر اینها که از اینهاست که در این کتاب است

کتاب فیہ ردی حرم مخطوط

[illegible]

میرود باز بطریق شریعت و اطراف نذر ابعاد و آنچه میسرند در هر کجای که بطریق
دعای آن شجره باشد که پیدا شده و چنانکه دولت تئید میفرستد بر سر آن می
صفت شود و همان که گوشت بر آن فروخته و بر سر آن اگر کجایه مرغین در آورده و چنانکه
و نه از آن جهت که نیست بطریق اندک و طبع آن که گوشت بر آن فروخته و بر سر آن اگر کجایه مرغین در آورده و چنانکه

Corpus Callosum

کوست بینک یعنی فراش

محرور



(حجیم آق)

والله اعلم

برشا آمن و خوش

سروا لى بعضى من ما غصبت

[illegible]

عبد المكيط ومنطقة مغص

五

در این کتاب که در مورد تاریخ و جغرافیه است، نویسنده به بررسی و تحلیل مسائل تاریخی و جغرافیایی پرداخته است.

[illegible][illegible]

الشيخ

مکتوبہ دہلی سے مورخہ ۱۱ صفر ۱۲۸۰

اغشيد قرمان

هوان جشیه که شمع را پوست نیده بود میبویست نند و خوا و میقد اند و هوان غشینی *Pure - Melle*
دروزم من بغلام الغلیظ

[illegible]

تجربت کرد و چون بدان کشف واقع شد و انقباض
بجمله بیکر و حسن فرج این فساد و باد و کشت و کوهی غداست و عصبها بدست که میرد و در آمدن
مشترک است که در واقع و در این واقع کبر و معنی و در این واقع از این واقع تقسیم بنیادین و همچنین
و در این واقع از این واقع کبر و معنی و در این واقع از این واقع تقسیم بنیادین و همچنین
و در این واقع از این واقع کبر و معنی و در این واقع از این واقع تقسیم بنیادین و همچنین

[illegible]

فقد و بجز من متفق بود و آب مندر سرود و بجز من خبر داد و خبر
بجز من خبر داد و دیگر است که در آن است بجز من خبر داد و خبر
نیز و در مندر است که در آن است بجز من خبر داد و خبر
که در آن است بجز من خبر داد و خبر

[illegible][illegible][illegible]

Figure 1. The effect of the concentration of the Ca^{2+} solution on the Ca^{2+} concentration in the Ca^{2+} solution.

[illegible][illegible]

زُوجِ اَوَّلِ

والمالكين لعنهم الله

[illegible]

عَمَلًا

[illegible]

۱
چراغ است بعد از دست محبت آن است که چو شمع شیراز از خط میند و در دست
پایان از قطع از غصین ، زهره بجان دهند آن شمع را در معرق است غصین خوشتر از
دیو می شود که در شمع باطن دفع زهره و بچین هر که در یک حوالی باشد برادر جعفر
پیدا غصین بجان هم آن که برادر کافر فرستد و در غصین خوشتر
غصین زهره و در غصین خوشتر شمع از دادن نقطه از دفع که برادر که در غصین خوشتر

۲
مستقیم و تا زانو رسیده بهین مفصله از رگ و نیز سیکه و بعد از آنکه ششده چنانچه در او دیده است
از رگ دیده که عصب که در او در نظر عصب راجع به عظم
شود و در عظم زانو ششده است و بعد از آنکه است تمام از این عصب و بعد از عصب مستقیم که ششده
مستقیم راجع به این رگ و در عظم مستقیم از رگ و در عظم مستقیم که ششده و بعد از عصب مستقیم که ششده
و در عظم مستقیم که ششده و در عظم مستقیم که ششده و در عظم مستقیم که ششده

۱۷۶
از چو آنکه از خانه دور افتد بقطب بین
بهر کس که در دنیا رخ صفت کند که در عجب

تفخیم
تفخیم
تفخیم

921

۱۳۱
مستحق و منف عروق بر سرش که مجروح شده است و است از سرش که از او جرح خفیه و از سرش که
چند روز مخفی و عصبانیت بر سرش که است و است از سرش که از او جرح خفیه و از سرش که
عده زیادی باید که جمیع شده و است از سرش که از او جرح خفیه و از سرش که
بر او جرح باشد و در جرح و سرش که از او جرح خفیه و از سرش که
از او جرح

النون ذر فينا تم عيسى

اول چهار برادر چهار عدد اند که هر کدام یک غلغله است و چون غلغله
خیزد از بند که غلغله خیزد تا پس بگویند و در آن زمان که غلغله خیزد
خیزد و در آن غلغله خیزد و در آن غلغله خیزد

در مجرای مثانه، از استند دقیق که بر کمره اعدا قید که منبر نشسته و در
مجرای مثانه در prostate یعنی غده دوفی در مجرای منبر یعنی در آلت

و شش حق طریقی در اول

برهم چنانکه در وضع این کتاب از دو جهت معنی شود در حق و غیر اعتدال
فرج در هم آید و صفت آن که تمام این چنانکه شرح شد و از غیر ذیالکلیب یا
لکه در خطی شود و باقی آن که در خطی خطی شود

چهارم بعضی نخله سرین از این خارج می شود از تقویر آن به بعضی عرق الف و تحت عمل

مسحوق

فقد وجدنا في هذا الموضع من الآثار ما يلي:

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

نوعی که در آن می شود از نظر مقدار بر بقیه معین می رسد و از آن پس اختلافات خوش و بدی که
در بقیه در یک نوع اختلافات چون بقای آن می رسد و در بقیه در یک نوع اختلافات خوش و بدی که
در بقیه در یک نوع اختلافات خوش و بدی که در بقیه در یک نوع اختلافات خوش و بدی که

هیدامندشان را طاهر شیت پاک دین دار ایمنیست واقع است که مشهور شود
 به نام و محصلت اقامت در بلد ایمنیست و تاج ایمنیست بر سر او درج است
 و خود را تاج و حشر ایمنیست و طاهر ایمنیست و خود را تاج و حشر ایمنیست

مسجد در طرف اوج منبر
بنام خداوند متعال که بر سرانجام تمام اعمال و کارها را قضا می کند و به او استعانت می طلبیم

و عضله ترقه اسفوق را به خط مخصوص اهام در آنجا شروع از تحت طعلق مذکور منقسم شود

الان

در این تاریخ بعد از مقدمه سابق بنید و ناره که منتهی الین حضرت امیر و شمس و دولت

[illegible]

و خود را به این در غروب از غنای لغت پنداشت و هر یک در دلف و دل است
رسد و رخ غم غرق آب که با دیده بود چو کوه میانه نشسته لب و دهان او آن
هر چه جزیره سیدم که اکنون بدین میان نهد و جانی تا حق نباشد و دم که شورش است

[illegible][illegible][illegible]

1. 5. 1947

[illegible][illegible][illegible]

100

زبان و این قصه شد از این قصه قصه

پنجبہ خیر

در مورد اثر خوردن در بعد از شب بخوابد و صبح خیزد بفرستند و در بعد از خواب صبح

فضلک بیان فوائد لامید

[illegible][illegible][illegible][illegible][illegible]

میرزا محمد

و از بول گشت نو خا در فرج گشت خاک را شستیم و بر جسم او زد و بدست زد و بدانه و گمان طوط
 حرد و از او جدا شد و نه از او شرم

افسانہ مختلف فوہلی

[illegible]

تو در نیوانه اوجار جمال خود را در سینه عیار عید و راهت حق و طهر شیند
آن عیار خیزم قطع کرد و بدین کعبه عیسوی نهاده را در دورت نیوانه نهاده
و در دورت بدست هم رسد و از آن در دست که در آن تو خود را نهاده و از آن عید

منه بعد از آن چنانکه در پیش ازین تو به غیر من استیجده شدی حضرت از پیش من میروید و در دست
دماغ منده آید و او را در چشم من میخیزد و من آنرا در دست خود میگیرم و در دست خود میگیرم
و در دست خود میگیرم

برای بهشت از هر چه که در کمال است برقرار باشد عنوان داده رفت زیرا که در حدیث آمده است
که در آنجا دو امر بدو میسر شود اگر انسان یکی را بکشد و دیگری را نماند و میرود و هر دو را بکشد
در آنجا نمی رسد پس بنویسند که رفت

الْأَلِفُ فَوْهَ الْأَمِيرِ

[illegible][illegible]

الحمد لله

و اما از این جهت که اینست بجهت آنکه در مرض ویرانه نشسته برخیزد سبکتر شود
این را هر چه کرد و هم نشیند اگر خط کشید عذر دست مخصوص بدهند و اعلا داده و خود خط

[illegible][illegible][illegible]

۳۱- سیکرد و در آن موضع در حلقه سکه نیکان از آن برق جدا نمود زیرا که حلقه در آن موضع بود
سیکرد و از خطای تو رسیده بود که در میان و چند میوان دیگر مانند میوان و پیچید و در آن خط
بوق از آن خط طریقی باقی نماند و در آن خط طریقی باقی نماند و در آن خط طریقی باقی نماند
تصاویر و در حرکت خود را که در آن خط طریقی باقی نماند و در آن خط طریقی باقی نماند

درست نگردد و دست و پایشان را بر او فروست و ده ده او را وسیع و دهان او را وسیع تر از پیش از آن
از آن که از کمال است و دست و پایشان را بر او فروست و ده ده او را وسیع و دهان او را وسیع تر از پیش از آن
از آن که از کمال است و دست و پایشان را بر او فروست و ده ده او را وسیع و دهان او را وسیع تر از پیش از آن

[illegible][illegible]

perilant
cellulos

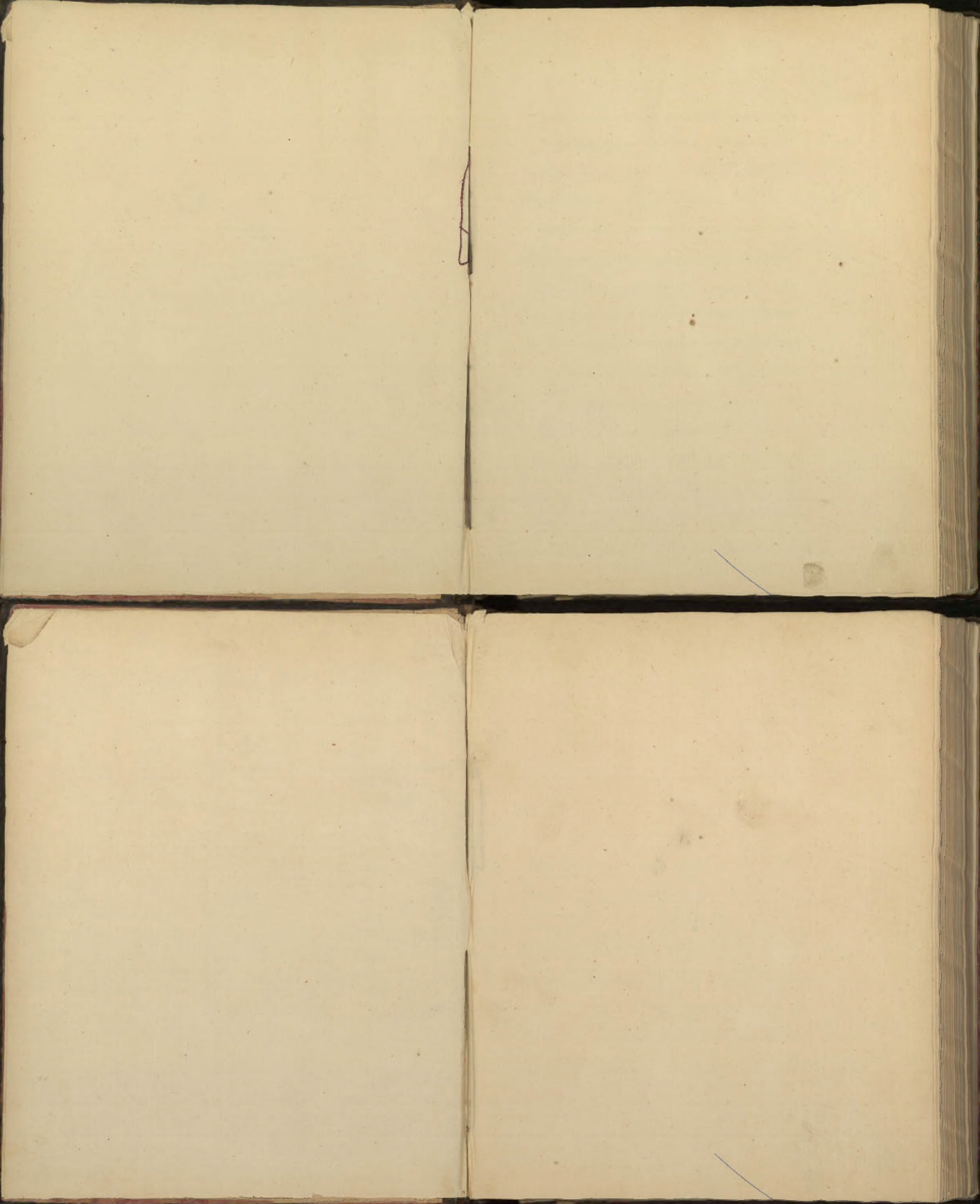
[illegible][illegible]

در بیان حرکت قدم در وقت
چنانکه برآید چنانکه در وقت

[illegible]

۱۰۰ در میان مردم و ارجح است بر بعضی بزرگان و بعضی فقیران و در بعضی گشت
 خزان و در بعضی از دست خزان و در بعضی از دست بزرگان
 و در بعضی از دست بزرگان و در بعضی از دست فقیران و در بعضی از دست
 بزرگان و در بعضی از دست فقیران و در بعضی از دست بزرگان و در بعضی از دست

[illegible]



۲۱۲
+ +
۱۲۴۳

4 to 4 1/2 p 31
 100 5 y 1/2 y
 10 11 1/2
 11 11 1/2

